



نقدی بر فیلم دسته دختران

# کدام دسته؟ کدام جنگ؟

دسته دختران یک اشتباه محاسباتی اساسی هم دارد، این درست است که وقتی می خواهیم درباره گذشته فیلم بسازیم، باید گذشته را به حال بیاوریم، اما برعکس صادق نیست. نمی توانیم امروز را به گذشته سنجاق کنیم. مثلا درباره مساله حجاب، فیلمساز به وضوح دارد دعواهای امروزی را به آن دوره الصاق می کند و به دنبال حل کردن مساله ای امروزی در گذشته است. دعوایی که در آن دوره یا وجود نداشته یا اگر وجود داشته، به پرتنگی و با مرزبندی های امروزی نبوده است. آن چه در دعواهای زن عرب و سیمین سر حجاب می بینیم، خیلی نجسب است و از دهه هشتاد عقب تر نمی رود. از آن بدتر، رنگ و بوی فمینیستی فیلم، آن هم از نوع عقب مانده و زردش است. قیدی که نمی تواند زنان مقاوم ایرانی را بسازد و به پاس فداکاری و مقاومت شان آنها را بالا ببرد، مرد رزمنده ایرانی را پایین می کشد. نقش اصلی مرد فیلم، رزمنده ای ترسو است که پشت به جبهه فرار می کند و به شکل اتفاقی با دسته دختران همراه می شود. او پس از طعنه شنیدن از اعضای دسته دختران، در نهایت به شکلی کلیشه ای، به واسطه رابطه عشقی ای که با سیمین برقرار می کند، جرات پیدا می کند و به جنگ برمی گردد.

پایان فیلم هم تیر خلاص است؛ مقاومت شکسته و همه در حال فرار هستند. یگانه، بچه سرگردانی را پیدا می کند و او را در آغوش می گیرد و به سمت کامیونی که مردم را سوار کرده، می دود. او بچه را به کامیون می رساند و برمی گردد، کاش حداقل قیدی او را هم سوار کامیون می کرد تا می گفتیم این زن دلیلی برای زندگی پیدا کرده و به یاد بچه هایش، این کودک را سرپرستی خواهد کرد؛ اما یگانه برمی گردد تا کشته شود نه شهید، خودکشی، شهادت نیست.

دشمن ایستادند و شانه به شانه مردان حماسه آفریدند، نیست؛ زن عرب که از شوهر عرق خورش فرار کرده؛ سیمین عشق اسلحه دست گرفتن دارد و دختر به تیپ نرسیده ای است که تماشاگر اصلا اینجایی و آن زمانی بودنش را باور نمی کند؛ دکتر نماینده طبقه فرادست است که خانواده اش به خارج از کشور پناه برده اند و از جایی به بعد قیدی می شود؛ دختر خرمشهری بسیار کم رنگ و «نماد» زنان آینده است و جالب اینجاست که ترجیح می دهد به جای پیش رفتن، در قبرستان بماند؛ و در نهایت فرمانده (با بازی نیکی کریمی) که اوضاعش از همه بدتر است. او که دو فرزندش را در جنگ از دست داده، شوهرش را که ملتسمانه از او می خواهد برگردد، رها می کند و مدام خود را در معرض مرگ قرار می دهد. این زن مقاوم ایرانی است؟ او هیچ آرمان و هدف و انگیزه غیرفردی ای ندارد، خانواده اش را پاشانده و بی آرمان است، تلاشش به همراه دیگر زنان دسته هم برای رساندن مهمات به رزمندگان ایتر می ماند و غیرقابل باور است.

سوالات اساسی ای که با دیدن دسته دختران به ذهن می رسد این است که فیلم کدام جنگ را روایت می کند؟ اگر فیلم، راوی هر جنگ دیگری می بود چه فرقی داشت؟ نحوه برخورد و مواجهه زن اینجایی با جنگ، چه فرقی با زنان بوسنی و ویتنام و عراق و... دارد؟ آیا فیلمساز می خواهد بگوید «هر» جنگی در «هر» جایی که اتفاق بیفتد، به این دلیل که زندگی «هر» زنی را نابود می کند مذموم است؟ اگر این طور است که واقعا باید به حال فیلمساز تأسف خورد؛ چرا که هنر را آفرینش نسبت دارد و بدعت، و بدعت به معنی «نوآوری»، «سنت ستیزی» و «ابتکار» است و در مقابل همه «هر» ها و «همه» ها و «چه» های موجود در خارج اثر می ایستد. راستی فرق دفاع و تجاوز چیست؟

متاسفانه سینمای دفاع مقدس دو دهه اخیر ما، به شدت متأثر و مرعوب طبقه متوسط است و همین مساله، فیلمسازان ما را به سمت گرفتن زُست ضد جنگ سوق داده، بی آنکه متوجه این مساله باشند که در جنگ دفاعی، ضد جنگ بودن بی معناست.

دسته دختران از همین فیلم هاست. فیلمی که هیچ بویی از دفاع نبرده و بیشتر تصویری از یک شکست ذلیلانه است. فیلمی که با دوربین سرگردان و بی منطقش، حوصله تماشاگر را سرمی برد و با سروسزهای زیادش، او را بی حس می کند.

دسته دختران ماجرای چند زن است که تلاش می کنند به رزمنده ها، مهمات برسانند. اما برخلاف ادعای فیلم که از اسمش شروع شده، هیچ «دسته» ای ساخته نمی شود، چرا که در فرد زنی که «دسته» دختران را می سازند، نه شخصیت پردازی شده اند و نه عمق دارند؛ برای ساختن جمعیت، ابتدا باید فردیت ها را ساخت.

پنج نفری که عضو دسته اند، یگانه خانم معلم و فرمانده دسته، سیمین (دخترک عشق جنگ)، زن عرب، خانم دکتر و دختر بچه خرمشهری، هیچ کدام پرداخت مناسبی ندارند. فیلمساز باور ندارد که دوره نظامی دیده های دسته دختران، واقعا دوره دیده باشند. آنها با اسلحه هایشان گردو می شکنند، گلوله ها را ناشایانه از غلاف خارج می کنند، اسلحه دست گرفتن بلد نیستند، بازخمی شدن اولین رزمنده ای که می بینند خودشان را زمین می زنند و با جیغ و داد، در حالی که در تیررس دشمن اند، می خواهند برگردند و او را نجات دهند و... قیدی خواسته با انتخاب هایی متنوع و نامدین، از همه زنان ایران، نماینده ای در این دسته بگنجانند؛ اما در جمع آنها هیچ خبری از زنانی که «زنانه» در مقابل

یادداشت

## نقد فیلم مستند کُتربوآن گاردن پارتی در میدان اعدام

هر وقت که به چند قدم پیشتر، یعنی تاریخ معاصر ایران نگاهی از سرتقن یا تحقیق می اندازیم به روشنی در می یابیم که چه روایات جذابی در پس وقایع تاریخی وجود داشته که گاه نگاه تیز هنرمندان و وقایع نگاران به آنها جلب شده است و گاه هم از کنارشان به راحتی گذشته اند. «رکن الدین مختاری»، یکی از آن نام های جذابی است که می تواند در ذات خود به بساختن یک روایت جذاب تاریخی که از دل مناسبات حکمرانی در ایران دوران پهلوی به بیرون پرتاب شده است، کمک کند. او از طرفی رئیس شهربانی کشور در دوران رضاشاه پهلوی بود و از طرف دیگر ویولونیستی بود که آواز اش از پستوی خانه هار فارت رفت و ایران را درنوردید. نوازندگی ویولن و ریاست شهربانی مخوف آن دوران، دو جلوه متضاد از شخصیت اوست که در قدم اول از رکن الدین مختاری کاراکتری نمایشی ارائه می دهد و ایده ای حاضر و آماده را برای پژوهش و حتی ساخت فیلم به دیگری عرضه می کند.

مستند پرتزه «کُتربوآن» مشتمل بر چند روایت و حکایت است که محمد فرزین نیا تا حد مطلوبی توانسته از پس در کنار هم قرار دادن پژوهش های خود و تمیض در مورد رکن الدین مختاری برآید و پرتزه جذابی از وی به نمایش دربیآورد. مستند از افتتاحیه خوبی برخوردار است و فرزین نیا با درهم آمیزی جنبه های متضاد کاراکتر مختاری، رکن الدین نوازنده و سرپاس رئیس شهربانی را در زندان قصر به هم می رساند و روایت مستند را دراماتیزه می کند.

رجال سیاسی زمان پهلوی اول از تیمورتاش گرفته تا مختاری و علی اکبر داور و ژنرال آرم، جملگی از ظرفیت ویژه ای برای تبدیل شدن به کاراکتر محوری یک فیلم سینمایی یا سوزه اصلی یک مستند پرتزه بهره مندند و فیلمساز هم از این منظر دست روی آدم ویژه ای گذاشته است که در عین آفرینش هنری، قصاب پاک دستنی هم برای اجرای اوامر ملوکانه محسوب می شود، اما آیا صرف این انتخاب کافی است تا نظر مخاطب را نسبت به خود جلب کند؟

محمد فرزین نیا در امر پژوهش برای مستند خود به نسبت توانسته منابع محدود و پراکنده ای که در در باب رکن الدین مختاری وجود دارد را سر و سامان ببخشد و یک پرولوگ جمع و جور از زیست این شخصیت به بیننده ارائه دهد ولی طبعاً نتوانسته به غایتی که مخاطب از تماشای این فیلم در پی آن است پاسخ درستی بدهد. تاکید و مکث مناسب فرزین نیا بسر بقایای زندان اکنون تعطیل شده قصر، به عنوان نقطه عطف، روایت این اثر را به پیش می برد و در بطن خود پیام مهمی را هم به بیننده گوشزد می کند ولی به هیچ وجه وارد دنیای ذهنی سرپاس مختاری نمی شود. فرزین نیا در شیوه روایت فیلمش تا جایی که امکانش وجود داشته از جهت گیری های بارز بر شخصیت مختاری و نحوه زندگی و زیست و ممانعت به عمل آورده تا قضاوت را برعهده مخاطب بگذارد ولی آیا مراد بیننده از تماشای این مستند فقط باید به

ایمان عظیمی

منتقد

گزارش

نشست مشترک سازمان سینمایی و سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران

## نقش دولت در تولید فیلم ها نهایتا ۱۰ تا ۱۵ درصد

خزاعی عنوان کرد: با این حال و به رغم همه مشکلات روند نسبتا مطلوبی را پشت سر گذشته ایم و با برنامه هایی که در دست داریم، امسال هم این روند مطلوب تر قابل پیش بینی است. تلاش شده در حوزه تولید و اکران به سلاقی مختلف مخاطبان سینما توجه شود.

۴۶ درصدی فیلم های اجتماعی در سال ۱۴۰۱

وی با اشاره به گزارش ارزشیابی سازمان سینمایی عنوان کرد: «۴۶ درصد فیلم های سینمایی در سال گذشته، اجتماعی بوده اند. البته با آسیب شناسی و نقدهایی که در حوزه تولیدات سینمای اجتماعی وجود داشته، سعی کرده ایم با نگاه استاندارد سازی و مراقبت بیشتری رفتار کنیم.»

رئیس سازمان سینمایی تصریح کرد: «متاسفانه امروز تصویر واژگونه ای از ایران در آذهای جهانی شکل گرفته که در این تصویرسازی قطعا سینماگران هم دخیل بوده اند. به نظر می رسد به دلیل بی دقتی در برخی آثار، سیاه نمایی و تحریف جامعه و تاریخ معاصر و عرضه روایتی مخدوش و نازیبیا از خانواده های ایرانی، ذهنیت اشتباهی در افکار عمومی جهان ترسیم شده است. جفا به تاریخ این سرزمین به چه قیمت؟»

۸۰ درصد بخش های خصوصی است و دولت کمک می کند

محمّد حمیدی مقدم، مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی در بخش دیگری از این نشست گفت: «زیست شهری بسیار آشفته است و ما برای بهتر کردن شرایط آن باید همکاری خوبی با هم داشته باشیم و در این بین اتفاق خوب زمانی رقم می خورد که بتوان با تولیدات مشترک به تولیدات بهتر شهری برسیم و فقدان کار هنری سفارشی را از بین ببریم، برای مثال آموزش ترافیک برای کودکان از جمله مواردی است که می تواند بسیار موثر باشد.»

همکاری پردیس ملت و پردیس تئاتر تهران با سازمان سینمایی

مهرداد باقری بیدنی، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران نیز در بخش پایانی این نشست بیان کرد: «سال گذشته مسئولان سینمایی زحمات زیادی را برای برپایی جشنواره فیلم فجر متحمل شدند و کار بزرگ و سختی انجام دادند و امیدواریم امسال با رونق چرخه تولید، شاهد تولیدات سینمایی بیشتری باشیم.» وی اضافه کرد: «با عنایت به برکاتی که در پی این گفت وگو و استعمار آن حاصل خواهد شد، می توانیم در حوزه سینمایی همکاری جدی تری داشته باشیم.» باقری بیدنی پیشنهاد انعقاد تفاهنامه های اجرایی در خصوص محقق شدن اهداف این جلسه را مطرح و در خصوص همکاری پردیس سینمایی ملت و پردیس تئاتر تهران با سازمان سینمایی اعلام آمادگی کرد.

گفتنی است اصغر فارسی، حبیب ایل بیگی، یزدان عشیری، علیرضا اسماعیلی، محمد حمیدی مقدم، سید مهدی جوادی، هاشم میرزاخانی، مهدی آذرپندار، مجید اسماعیلی، لادن طاهری، محمدرضا سوقندی، سیدصادق موسوی از مدیران سازمان سینمایی و امیرحسین سسمعی، نازنین پیرکاری مدیرعامل و حبیب والی نژاد و حسین کرمی اعضای هیات مدیره موسسه تصویر شهر و وحید گزائیلی از مدیران سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، از جمله حاضران این جلسه بودند.

شصت و هفتمین جلسه شورای معاونان و مدیران سازمان سینمایی در ادامه سلسله نشست های هم اندیشی با مجموعه های فرهنگی و هنری با حضور محمد خزاعی رئیس سازمان سینمایی، مهرداد باقری بیدنی رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و معاونان و مدیران دو سازمان دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه در محل سازمان فرهنگی- هنری شهرداری تهران برگزار شد.

در این نشست رئیس سازمان سینمایی کشور گفت: «این نشست ها برای استفاده از همه ظرفیت ها در جهت تولید، رونق اشتغال و تعدد رویداد های فرهنگی هنری پیش بینی شده و همه ما در این زمینه باید به مثابه یک پیکره عمل می کنیم.» وی افزود: «زمانی که قرار است شعار سال را محقق کنیم باید همه مجموعه ها به صورت انقلابی به میدان بیایند و با شناسایی راهکارهای مشترک و شناخت متقابل به سمت عمق استراتژیک اهداف حرکت کنیم.»

دولت کمک می کند تا خلأ بخش های خصوصی را پر کند

خزاعی ادامه داد: «وضعیت تولید آثار در سال گذشته نشان می دهد که نقش دولت، در زمینه تولید فیلم ها در خوشبینانه ترین وضعیت خود به طور تقریبی ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده است. از این رو در دولت سیزدهم اهتمام دولت برای تقویت بخش خصوصی جدی تر پیگیری می شود و دغدغه ما تقویت بخش های خصوصی سینماست.» وی عنوان کرد: «چرخه اکران و تولید در سینما نمایشگر مشارکت بالای ۸۰ درصد بخش های خصوصی است و دولت کمک می کند خلأ های بخش خصوصی را پر کند. بخش خصوصی در بعضی حوزه ها به ویژه تولید استراتژیک هنوز توان کافی را ندارد و به تنهایی نمی تواند نقش آفرین باشد. تقویت ظرفیت های تولید به اشتغال و معیشت سینماگران کمک خواهد کرد.»

رئیس سازمان سینمایی با اشاره به اینکه تولید هر فیلم به منزله اشتغال بالای ۲۰۰ نفر است، خاطر نشان کرد: «سال گذشته در فضای آژارم کشور با حمایت سازمان سینمایی بالغ بر سه هزار و ۸۵۰ نفر در حوزه فیلم های سینمایی، کوتاه، مستند و پویانمایی مشغول به کار شده اند و این مقدار قطعا مطلوب ما نبوده است.»

اهمیت هم افزایی ها در رونق اشتغال

وی افزود: «امروز انتظار جدی برای ایجاد تحول و رونق بیشتر در حوزه فرهنگ از ما وجود دارد. نباید دست اندازها و چالش های سر راه، ما را از رسیدن به اهداف دور کند. امروز که روند تولید و اکران در سینما به حالت عادی و پررونق برگشته است همچنان عده ای ناراحت هستند. بعضی ها اساسا هم از رونق و هم از رکود سینما ناراحت می شوند و برای آنها فرقی نمی کند.»

تیر بدخواهان سینما به سنگ خورد

رئیس سازمان سینمایی با بیان اینکه عده ای مطلقا هم به رونق سینما و هم به رکود آن نگاه منفی دارند، افزود: «در سال گذشته چالش های متعددی سینما را دچار مشکل و آسیب کرد که متاسفانه خیلی از این اقدامات سرمنشاء داخلی در درون سینما داشته و عملکرد ناجوانمردانه این عده مورد قضاوت تاریخ قرار خواهد گرفت.» وی ادامه داد: «افرادی از درون سینما تلاش کردند سینما دچار مشکل کنند و کوشیدند تولید فیلم ها را متوقف کنند، برنامه ریزی کردند تا همکاران را از ادامه همکاری منصرف کنند و تیر این عده برای تعطیلی سینما به سنگ خورد.»